[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

# قرض‌گیری فعل «است» و گونه‌های آن در گویش عربی سراب

**حامد نوروزی***
**زینب صالحی****

**چکیده**

قرض‌گیری فرآیندی زبانی است که در زبان‌شناسیِ درزمانی بررسی می‌شود. در این فرآیند، زبان عناصری را از زبان دیگر قرض می‌گیرد. این فرآیند معمولاً در مناطقی رخ می‌دهد که دو زبان با یکدیگر برخورد می‌کنند و به مدت طولانی تماس دارند. یکی از مناطق ایران که چنین موقعیتی دارد، جنوب خراسان است. در این منطقه، عرب‌هایی زندگی می‌کنند که احتمالاً تاریخ مهاجرت آنها به قرون نخست اسلامی بازمی‌گردد. در این مقاله به بررسی فرآیند قرض‌گیری فعل «است» و گونه‌های آن در روستای عرب‌نشین سراب می‌پردازیم. فعل اسنادی فارسی به سه صورت est (با تحول آوایی، صرفی و معنایی)، hast (بدون تحول) و mest (به‌مثابهٔ اسم فاعل) در این گویش کاربرد دارد. در گویش عربی سراب، فعل «است» و گونه‌های آن در سه وجه اخباری، التزامی و امری به‌کار می‌رود. کاربرد شناسه‌های عربی در ساختار فعلِ «است» در این گویش و ساخت فارسی آن تفاوت دارد.

**کلیدواژه‌ها**: فعل اسنادی «است»، قرض‌گیری، گویش عربی، جنوب خراسان، روستای سراب.

* استادیار دانشگاه بیرجند hd_noruzi@birjand.ac.ir
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد salehi.zeinab@um.ac.ir

**تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۳**

**دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شمارهٔ ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷**

**مقدمه**

فعل اسنادی[۱] یا رابط، فعل یا شبه‌فعلی[۲] است که نهاد[۳] را به گزاره[۴] متصل می‌کند (مورو، ۱۹۹۷: ۷۴) و در اغلب زبان‌های هندواروپایی یافت می‌شود، تاجایی‌که آن را یکی از ویژگی‌های این زبان‌ها دانسته‌اند (جاسانوف، ۲۰۰۳: ۱۱۲). در بسیاری از زبان‌های غیرهندواروپایی هم فعل اسنادی مشاهده می‌شود، اما نمی‌توان آن را مقوله‌ای جهانی دانست (پاستت، ۲۰۰۵: ۸). برای مثال، فارسی، که یکی از زبان‌های هندواروپایی است، فعل ربطی را در همهٔ زمان‌ها و وجه‌ها به‌کار می‌برد؛ درمقابل، عربی زبانی از خانوادهٔ سامی و یکی از زبان‌هایی است که اغلب پژوهشگران آن را فاقد فعل ربطی می‌دانند. البته، برخی از زبان‌شناسان عربی معتقدند فعل ربطی فقط در زمان مضارع وجود ندارد. به‌همین‌دلیل، گفته می‌شود «ساخت جملهٔ اسمیهٔ عربی (تقریباً معادل جملهٔ اسنادی فارسی) با مبتدا و خبر کامل می‌شود و بنابراین به فعل اسنادی یا رابط نیاز ندارد» (حلیمی، ۱۹۹۳: ۷۹). درمقابل، برخی از زبان‌شناسان عربی، تعدادی از عناصر زبانی در جملهٔ اسمیه را مشابهی برای فعل اسنادی فارسی می‌دانند. آذرنوش دراین‌باره می‌گوید: «رابطه [= فعل اسنادی] ظاهراً در جملهٔ عربی نیست، اما درواقع به کمک بازی اعراب است که آن رابطه در جملهٔ عربی واقعیت می‌یابد؛ گویی تنوین-ٌ است که مقابل رابطهٔ فارسی (= است) نشسته» (آذرنوش، ۱/۱۳۷۰: ۲۰). برای مثال، «فهُوَ کاتبٌ»: او نویسنده است. همان‌گونه که می‌بینیم، در جملهٔ «او نویسنده است»، «است» به‌مثابهٔ رابط نهاد و مسند به‌کاررفته و معنای لغوی جمله را کامل و جمله را دستورمند کرده است؛ زیرا در زبان فارسی جملهٔ اسنادی، بدون فعل اسنادی، ناقص و بی‌مفهوم است (نوبهار، ۱۳۷۲: ۷۹). اما در جملهٔ «هوَ کاتِبٌ» چنین رابطی وجود ندارد؛ زیرا با وجود مبتدا و خبر به فعل اسنادی یا رابطه نیازی وجود ندارد، نه از نظر لغوی و نه از نظر دستوری. باوجوداین، برخی چون آذرنوش تنوینی را که بر خبر وارد می‌شود، معادل فعل اسنادی «است» می‌دانند.

اما در برخی از گویش‌های عربی داخل ایران، ازجمله گویش عربی سراب، برخلاف عربی معیار، در جمله‌های اسمیه رابطهایی وجود دارد که مبتدا و خبر را چون نهاد و مسند فارسی به یکدیگر پیوند می‌دهد. فعل اسنادیِ «است/ هست» گونه‌ای از این رابطهاست که در زمان‌های مختلف کاربرد دارد. در مقالهٔ «بررسی گویش عربی جنوب خراسان» ادعا شده است که فعل فارسی در گویش عربی روستاهای شرق شهرستانِ "درمیان" کاربرد ندارد

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

(ر.ک: سیدی و جانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)، اما فعل اسنادی در این گویش از زبان فارسی مجاور آن قرض گرفته شده است. در این مقاله، نگارندگان برآن‌اند تا کاربردهای فعل اسنادی «است» فارسی را در ساختمان فعلی گویش عربی سراب بررسی و واکاوی کنند.

## پیشینهٔ پژوهش

با اینکه بسیاری از پژوهشگران، عرب‌ها را نخستین ساکنان غیرایرانی خراسان پس از اسلام می‌دانند (ایوانف، ۱۹۲۶: ۱۴۹)، گویش‌های عربی جنوب خراسان، ازجمله گویش عربی سراب، تاکنون، چنان‌که بایسته است، دست‌کم به اندازهٔ گویش‌های کردی، تاتی، ترکمنی و نظیر آن، مطالعه نشده است. مقاله‌های عباسی (۱۳۷۷)، ایوانف (۱۹۲۰ و ۱۹۲۶)، ابرلینگ و همکاران (۱۹۸۶) و آموزگار (۱۳۸۷)، با اینکه از نظر تاریخی بسیار ارزشمندند، بر نکات زبانی تأکید خاصی ندارند. در زمینهٔ بررسی زبان‌شناختی گویش‌های عربی جنوب خراسان پژوهش‌های ذیل انجام شده است: دو پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد با عنوان‌های «بررسی گویش عربی منطقهٔ عربخانه و مقایسهٔ آن با عربی کلاسیک» (آموزگار، ۱۳۸۰) و «بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان» (جانی، ۱۳۸۷). در هر دو مورد، تمرکز نگارندگان بر مقایسهٔ این گویش‌ها با عربی معیار بوده است و کمتر به تأثیر فارسی رایج در منطقه بر این گویش‌ها پرداخته‌اند. مقالهٔ سیدی و جانی (۱۳۸۷) نیز در همین زمینه تألیف شده است. دالگرن (۲۰۰۵) نیز در مقاله‌ای مختصر به توصیف برخی از ویژگی‌های زبانی گویش عربی عربخانه پرداخته است. ویندفور (۲۰۰۶)، نجفیان (۱۳۹۳) و جعفری دهقی (۱۳۹۴) در مقاله‌های دایرةالمعارفی خود بیشتر از منابع پیش‌گفته بهره برده‌اند. هیچ‌یک از منابع بالا، چنان‌که بایسته است، به مسئلهٔ قرض‌گیری‌های زبانی گویش‌های عربی جنوب خراسان و کاربرد فعل «است» و گونه‌های آن به‌منزلهٔ فعل ربطی نپرداخته‌اند.

## عرب‌های سراب سفلی (خراسان جنوبی)؛ زبان و طوایف

عرب‌های خراسان به دو دستهٔ کلی شمالی و جنوبی تقسیم‌پذیرند. عرب‌های شمال خراسان، که در شهر سرخس (استان خراسان شمالی) سکنا گزیده‌اند، به عرب‌هایی منسوب‌اند که در زمان نادرشاه از خوزستان به این نواحی کوچ داده شدند (نجفیان، ۱۳۹۳)، اما عرب‌های جنوب خراسان، که تبار آنها را به عرب‌های بصره و کوفه و احتمالاً قبیلهٔ تمیم (جانی، ۱۳۸۷: ۱۴) نسبت می‌دهند، در سده‌های نخستین اسلامی به خراسان مهاجرت کرده‌اند (عباسی،

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

۱۳۷۷: ۳۱). امروزه، تنها عرب‌های خراسان جنوبی به گویش عربی سخن می‌گویند. ایوانف، نخستین محققی که به زبان این اقوام توجه کرده است، واژگان آنها را فارسی و نحوشان را عربی می‌داند (ایوانف، ۱۹۲۶: ۱۵۶)، اما با تحقیقات میدانی گسترده و عمیق‌تر می‌توان نظری مخالف این ارائه داد؛ چراکه در بررسی کلی می‌توان تأثیر شدید نحو فارسی را در این گویش مشاهده کرد. جای تردید نیست که آواها و واژگان فارسی رایج در منطقه نیز در این گویش تأثیر فراوانی برجای گذاشته‌اند. البته، باید توجه کرد که عرب‌های جنوب خراسان نیز خود به دو شاخهٔ کلی تقسیم می‌شوند: عرب‌هایی که در منطقهٔ عربخانه (شهرستان نهبندان) ساکن‌اند و عرب‌هایی که در منطقهٔ درمیان سکونت دارند. یکی از مهم‌ترین روستاهای عرب‌نشین منطقهٔ درمیان، روستای سراب سفلی (سفلا) است.

روستای سراب سفلی، از توابع شهرستان درمیان، در شرق استان خراسان جنوبی و در فاصلهٔ ۹۵ کیلومتری از مرکز استان بیرجند و ۴۰ کیلومتری از مرکز شهرستان اسدیه قرار گرفته است. از روستاهای مجاور آن می‌توان به روستاهای تخته‌جان، گیت و خلف اشاره کرد. اغلب ساکنان این روستا سنی‌مذهب (حنفی) هستند و به گویشی خاص از زبان عربی (از این پس در این مقاله: گویش عربی سراب) سخن می‌گویند. دیگر ساکنان آن شیعه‌مذهب هستند و به گویش‌های فارسی خراسان جنوبی سخن می‌گویند. جمعیت روستای سراب در منابع رسمی (مرکز آمار ایران) ۳۲۰ نفر گزارش شده است. البته، این رقم در برخی ایام چون نوروز و تابستان، که مهاجران به زادگاه خود بازمی‌گردند، افزایشی نسبی می‌یابد. شغل اصلی مردم روستا کشاورزی و عمده‌ترین محصولات آنها زرشک و عناب است. بسیاری از اهالی این روستا درکنار کشاورزی به دامداری نیز می‌پردازند. البته، به‌سبب خشک‌سالی‌های اخیر دامداری تقریباً از رونق افتاده و ساکنان صرفاً برای مصارف شخصی از دام‌ها نگه‌داری می‌کنند.

جمعیت عرب‌زبان این روستا شامل چندین طایفه است که به‌ندرت در استعمال برخی واژگان از یکدیگر متمایز می‌شوند. این طوایف عبارت‌اند از رحمانی، جابری، موسی‌حاجی، آخوندی و شامرادی. گفتنی است گویش عربی، محدود و منحصر به این روستا نیست، بلکه روستاهای دیگری چون رودرباط، خلف، درّه‌چرم و محمدیه نیز به گویش‌هایی نزدیک به این گویش سخن می‌گویند. ازاین‌میان، روستای رودرباط پیوند زبانی بیشتری با سراب دارد و این شباهت احتمالاً به‌دلیل تعلق نَسَبی ساکنان رودرباط با برخی طوایف سراب است.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

**ساختار فعل در گویش عربی سراب**

صیغه‌های صرفی فعل در عربیِ معیار چهارده صیغه است، و برطبق دستگاه‌هایی چون شمار (مفرد، مثنی، جمع)، جنس (مذکر و مؤنث)، دستگاه زمان (ماضی، مضارع، مستقبل)، جهت (لازم، متعدی) و وجه (اخباری، التزامی: شرطی و امری) شکل می‌گیرد. با وجود حفظ دستگاه جنس در گویش عربی سراب، تعداد صیغه‌های این گویش به ده صیغه کاهش می‌یابد. دلیل این کاهش ازبین‌رفتن شمار مثنی و محدودشدن دستگاه شمار به مفرد و جمع در این گویش است. این حذف می‌تواند متأثر از فارسی در گویش عربی سراب صورت گرفته باشد. درواقع، در این گویش مانند زبان فارسی فعل جمع را برای تثنیه به‌کار می‌برند. البته، عدم کاربرد مثنی مختص گویش عربی سراب نیست، بلکه در لهجه‌ها از میان مظاهر مثنی، فقط اسم مثنی کاربرد دارد و صیغهٔ مثنی در افعال گویش‌ها و لهجه‌های دیگر هم به‌کار نمی‌رود (ر.ک: انیس، ۱۹۵۲: ۲۰۸).

این کاهش در صیغه‌های امری نیز مشاهده می‌شود؛ بدین‌ترتیب که در گویش عربی سراب مانند فارسی فعل امر تنها در صیغه‌های مخاطب کاربرد دارد. امر غایب و متکلم نیز با واردشدن لفظ «yerad» (باید) بر ابتدای صیغه‌های ذکرشده انجام می‌شود که وجه این‌گونه افعال را می‌توان التزامی دانست نه امری.

**فعل اسنادی «است/ هست» در گویش عربی سراب**

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، فعل اسنادی «است» به تقلید از زبان فارسی در ساختار فعل در گویش عربی سراب کاربرد یافته است. این کاربرد در زمان‌های مختلف ماضی ساده، نقلی، بعید، استمراری، مضارع و مستقبل و در وجوه اخباری، التزامی و امری مشاهده می‌شود. اما این به‌معنای شباهت تام فعل اسنادی «است» در گویش عربی سراب با این فعل در فارسی نیست. این تفاوت‌ها را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: ۱. **معنایی**: در زبان فارسی «است» همواره معنای وجودداشتن چیزی یا حالتی یا انتساب چیزی به چیز دیگر را در زمان حال به‌صورت ممتد با اندک اشاره‌ای به گذشتهٔ نزدیک منتقل می‌کند، اما در گویش عربی سراب صورت‌های مختلف «است» در معنای «شدن» به‌کار می‌رود. به‌عبارت دیگر، این نوع فعل در گویش عربی سراب مبین نوعی تحول و از حالتی به حالت دیگر درآمدن است. درواقع، در معنای افعال تحویل عربی معیار کاربرد دارد. ۲. **آوایی**: «است»

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

فارسی در گویش عربی سراب با تغییرات آوایی روبه‌رو است: الف) حرف آغازین این فعل در فارسی «ا» مفتوح است. اما در گویش عربی سراب به‌صورت مکسور /est?/ تلفظ می‌شود. ب) «است» /ast?/ با همین صورت آوایی (با همزهٔ آغازی) در فارسی تنها برای سوم‌شخص مفرد (مفرد مذکر و مؤنث غایب) و در دیگر اشخاص به‌صورت «هست» /hast/ (با h آغازی) به‌کار می‌رود. اما در گویش عربی سراب در تمامی صیغه‌ها (اشخاص) با همزهٔ آغازی مشاهده می‌شود. گفتنی است تحول همزهٔ آغازی به h در این گویش سبب تمایز در زمان کاربرد می‌شود؛ بدین‌معنی که «هست» در گویش عربی سراب برخلاف «است» تنها در حال ساده کاربرد دارد. ۳. **زمانی**: «است» در فارسی تنها در زمان حال ساده کاربرد دارد، اما در عربی سراب در هر سه زمان گذشته، حال و آینده کاربرد دارد. ۴. **صرفی**: شناسه‌هایی که به این فعل می‌پیوندد با شناسه‌های فارسی متفاوت است.

در ادامه، کاربرد فعل ذکرشده در زمان‌های مختلف به‌صورت جداگانه و در سه بخش وجه اخباری، التزامی و امری بررسی می‌شود. فعل را از این جهت که خبری را برساند، یا وقوع و حالت آن را با شک یا شرط همراه کند، یا درخواست یا فرمانی را برساند، به سه وجه اخباری، التزامی و امری تقسیم می‌کنند.

### وجه اخباری

صیغه‌هایی که برای بیان خبری به‌کار می‌روند؛ یعنی برای بیان کار یا حالتی در گذشته، اکنون یا آینده به‌کار گرفته می‌شوند، وجه اخباری نام دارند (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۲۹). هم در فارسی و هم در گویش عربی سراب، وجه اخباری یکی از پرکاربردترین وجوه فعلی است. در فارسی فعل «است» تنها برای زمان مضارع به‌کار می‌رود (گرچه ساخت و کاربرد شناسه‌ها در آن به‌شیوهٔ فعل ماضی است که در آن سوم‌شخص مفرد دارای شناسهٔ تهی است). فعل «است» در زمان گذشته (بودم، بودی، ...) و آینده (خواهم بود، خواهی بود، ...) از مادهٔ «بود» ساخته می‌شود. اما در گویش عربی عربخانه فعل اسنادی «است» با انواعی از تحولات آوایی در هر سه زمان ماضی، مضارع و آینده استعمال می‌شود. در ادامه، کاربرد این فعل در زمان‌های مختلف به‌تفکیک بررسی شده است.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

**الف. ماضی ساده**

گذشتهٔ ساده یا همان ماضی مطلق فعلی است که بر زمان گذشتهٔ مطلق دلالت بکند (انوری، ۱۳۷۰: ۶۴). ازنظر زمانی، فعل ماضی ساده در زبان عربی با فعل ماضی فارسی منطبق است (معروف، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در فارسی، فعل ماضی ساده از بن ماضی به‌اضافهٔ ضمایر متصل یا همان شناسه (ـَم، ی، ∅، یم، ید، ند) ساخته می‌شود. در عربی معیار نیز فعل ماضی متشکل از ریشهٔ فعل و ضمایر متصل فاعلی (ا، تا، وا، ن، تَ، تِ، تُما، تُنَّ، تُ، نا) است (شرتونی، ۴/۱۳۸۶: ۲۹). برای مثال، «ذَهَبْتُ» متشکل است از ریشه به‌اضافهٔ شناسه‌های ماضی. البته، در برخی صیغه‌ها ضمیر فاعلی مستتر است نه متصل به فعل. ماضی ساده در گویش عربی سراب مانند عربی معیار و نیز فارسی متشکل از ریشه و بن فعل و شناسه‌ها (ضمایر متصل فاعلی) است. در ماضی سادهٔ گویش عربی سراب، فعل اسنادی «است» به‌مثابهٔ ریشه با تحول آوایی به‌صورت ʾest به‌کار می‌رود. البته، شناسه‌های به‌کاررفته در این صیغه‌ها با عربی معیار متفاوت است. صرف این فعل در جدول شمارهٔ ۱ آمده است:

**جدول ۱**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب | صیغه‌های ماضی «ذَهَبَ» در عربی معیار |
|---|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد (مذکر و مؤنث) | من آدم شدم | ane ʔādem est-ēt | ذَهَبتُ |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو آدم شدی | ente ʔādem est-ēt | ذَهَبتَ |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو آدم شدی | enti ʔādem est-ēti | ذَهَبتِ |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او آدم شد | ohu ʔādem est-â / est-ē | ذَهَبَ |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او آدم شد | ehi ʔādem est-at | ذَهَبَت |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ما آدم شدیم | ehne ʔādem est-ēnē | ذَهَبنا |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما آدم شدید | entu ʔādem est-ētu | ذَهَبتُم |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما آدم شدید | entan ʔādem est-etan | ذَهَبتُنَّ |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آن‌ها آدم شدند | ohom ʔādem est-ow | ذَهَبُوا |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آن‌ها آدم شدند | ehenne ʔādem est-an | ذَهَبنَ |

روشن است که در افعال بالا، ریشهٔ فعل گونهٔ تحول‌یافته‌ای از «است» فارسی است، اما شناسه‌های به‌کاررفته در این صیغه‌ها همان شناسه‌ها یا ضمایر متصل فاعلی عربی معیارند که تحولات آوایی پذیرفته‌اند. مهم‌ترین تفاوت آوایی در شناسه‌های مزبور این است که در عربی معیار، هجای پایانی ریشه (در مثال پیش‌گفته: hab در ذَهَبْ) به یک واج ساکن ختم می‌شود. به‌همین‌دلیل، پس از آن هجای آغازی شناسه با صامت آغاز می‌شود، اما در گویش سراب احتمالاً به‌دلیل شباهت واج پایانی ریشهٔ est و واج آغازی اغلب شناسه‌ها، که هر دو t

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

است، شناسه‌ها با یک مصوت آغاز می‌شوند. این مصوت گاهی همان مصوتی است که در عربی معیار شناسه به آن ختم می‌شود (دوم‌شخص مفرد مذکر: te > ēti، سوم‌شخص جمع مؤنث: na > an) و گاهی با مصوت موجود در شناسه متفاوت است (اول‌شخص مفرد: to > ēt، دوم‌شخص مفرد مذکر: ta > ēt، اول‌شخص جمع: nā > ēnē، دوم‌شخص جمع مذکر: tom > ētu). این قانون دربارهٔ سوم‌شخص مفرد مذکر و مؤنث و سوم‌شخص جمع مذکر صدق نمی‌کند؛ چراکه در این صیغه‌ها صامت پایانی ریشهٔ عربی به مصوت آغازی شناسه افزوده می‌شود و هجای ba (سوم‌شخص مفرد مذکر)، bat (سوم‌شخص مفرد مؤنث) و bu (سوم‌شخص جمع مذکر) را پدید می‌آورد. در دو مورد اخیر، شناسه‌های گویش عربی سراب (at- و ow-) بسیار شبیه شناسه‌های عربی معیار است.

علاوه‌براین، باید توجه کرد که در اغلب صیغه‌های عربی معیار (به‌جز سوم‌شخص مفرد مؤنث و دوم‌شخص جمع مذکر) شناسه به مصوت ختم می‌شود، اما در گویش عربی سراب، شناسه‌ها معمولاً به صامت ختم می‌شوند (به‌جز دوم‌شخص مفرد مؤنث، سوم‌شخص مفرد مذکر، اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث)، دوم‌شخص جمع مذکر).

**ب. ماضی استمراری**

در زبان فارسی، فعل ماضی استمراری به فعلی اطلاق می‌شود که بر انجام کاری پیوسته در گذشته دلالت دارد و متشکل از پیشوند «می» به‌علاوهٔ فعل ماضی مطلق است: می‌رفتم، می‌رفتی... . ماضی استمراری در عربی معیار، در جمله‌هایی با یکی از این ساخت‌ها به‌کار می‌رود: ۱. کانَ یا عادَ + مضارع همان فعل: «کانَ یذهبُ»؛ ۲. «لو» + فعل شرط و جواب شرط: «لَو دَرَسنا لَنَجحنا»؛ ۳. فعل ماضی+ فاعل (یا) مفعولِ معرفه + (واو) حالیه + مبتدا + خبر (فعل مضارع): «رأیتُ علیاً هنا و هو لا یدری أنا واقفةٌ هنا»؛ ۴. فعل ماضی+ فاعل (یا) مفعولِ (نکره) + جملهٔ وصفیه‌ای که فعلش مضارع باشد: «رأیتُ طفلاً یبکی» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۴). ساخت ماضی استمراری در گویش عربی سراب تحت تأثیر ساخت اول (کانَ + فعل مضارع) شکل گرفته است. در این گویش، فعل kon به‌مثابهٔ فعل کمکی به صیغه‌های مختلف مضارع افزوده می‌شود. در این گویش فعل «است» (< /est/) ریشه فرض شده و در صیغه‌های مختلف مضارع صرف شده است. مطابق همین الگو، ماضی استمراری ساخته شده است. صرف صیغه‌های این فعل در جدول ۲ آمده است:

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

**جدول ۲**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | من (مذکر) خوب می‌شدم. | ane zen kon a-st-i |
| اول‌شخص مفرد مذکر | من (مؤنث) خوب می‌شدم. | ane zen kon a-st-i |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو (مذکر) خوب می‌شدی. | t-est-i ente zen kon |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو (مؤنث) خوب می‌شدی. | t-est-in enti zen kon |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او (مذکر) خوب می‌شد. | ohu zen kon y-est-i |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او (مؤنث) خوب می‌شد. | ehi zen kon t-est-i |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ما خوب می‌شدیم. | ehne zen kon n-est-i |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما (مذکر) خوب می‌شدید. | t-est-un entu zen kon |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما (مؤنث) خوب می‌شدید. | t-est-an entan zen kon |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آنها (مذکر) خوب می‌شدند. | y-est-un ohom zen kon |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آنها (مؤنث) خوب می‌شدند. | ehenne zen zen kon y-est-an |

تفاوتی که در صرف صیغه‌های پیش‌گفته با عربی معیار وجود دارد این است که در این گویش /«kon»/ در تمام صیغه‌ها یکسان به‌کار می‌رود و ضمیر متصل فاعلی فقط به فعل اصلی اضافه می‌شود، اما در عربی معیار هم «کان» و هم فعل اصلی به‌مقتضای صیغه صرف می‌شوند.

**ج. ماضی نقلی**

ماضی نقلی بر انجام کاری دلالت می‌کند که در زمان گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد یا اثر و نتیجهٔ آن تاکنون باقی است (انوری، ۱۳۸۲: ۶۵). در زبان فارسی، ماضی نقلی با افزودن صفت مفعولی فعل اصلی به صیغه‌های مختلف فعل «استیدن» (دربارهٔ استیدن ر.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۸۱) ساخته می‌شود. ماضی نقلی در عربی معیار با یکی از این الگوها ساخته می‌شود: ۱. «قَد» + ماضی ساده: «قَد ذَهَبَ»؛ ۲. طالما، کثرما، قلّما + ماضی ساده: «طالَما ذهبَ» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۹)، اما در گویش عربی سراب ماضی نقلی با ساختی متفاوت به‌کار می‌رود. در این گویش، ماضی نقلی از اسم فاعل به‌اضافهٔ شناسه ساخته می‌شود. این درحالی است که اسم فاعل در عربی معیار در معنای مضارع اخباری کاربرد دارد: أنتَ ضاحکٌ: تو می‌خندی (دراین‌باره ر.ک: معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۳). این ساخت در انواع فعل‌های صحیح و سالم (ðârbe)، مهموز (ãĉle)، معتل (qādye, vajɔe,mayte) قابل مشاهده است. ساخت ماضی نقلی «است» نیز از این قاعده مستثنی نیست و بر وزن اسم فاعل است. صیغه‌های این فعل عبارت‌اند از:

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

جدول ۳

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | من (مذکر) معلم شده‌ام. | ane maɔallem m-est-i |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | من (مؤنث) معلم شده‌ام. | ane maɔallem m-est-eyye |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو (مذکر) معلم شده‌ای. | enta maɔallem m-est-i |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو (مؤنث) معلم شده‌ای. | enti maɔallem m-est-eyye |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او (مذکر) معلم شده است. | ohu maɔallem m-est-i |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او (مؤنث) معلم شده است. | ehi maɔallem m-est-eyye |
| اول‌شخص جمع (مذکر، مؤنث) | ما معلم شده‌ایم. | m-est-in ehne maɔallem |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما (مذکر) معلم شده‌اید. | entu maɔallem m-est-in |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما (مؤنث) معلم شده‌اید. | entan maɔallem m-est-eyyat |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آنها (مذکر) معلم شده‌اند. | ohom maɔallem m-est-in |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آنها (مؤنث) معلم شده‌اند. | ehenne maɔallem m-est-eyyat |

پیش از این، گفتیم که ماضی نقلی در عربی سراب از اسم فاعل به‌اضافهٔ شناسه ساخته می‌شود. اسم فاعل مجرد بر وزن «فاعل» و اسم فاعل مزید نیز برگرفته از ساخت فعل مضارع است. به‌عبارتی، همان ساخت فعل مضارع است که حرف «میم» به‌جای حرف مضارعهٔ آن فعل قرار می‌گیرد. باتوجه به تعدادِ حروفِ ریشه، «است» فعل ثلاثی مجرد محسوب می‌شود، اما همان‌گونه که مشاهده شد، در گویش عربی سراب این فعل ثلاثی مزید پنداشته شده و با افزودن -m به‌جای حرف مضارعه، صیغه‌های مختلف فعل ساخته شده است.

**د. ماضی بعید**

ماضی بعید فعلی است که بر انجام کاری در زمان گذشتهٔ دور دلالت دارد و از اسم مفعول فعل اصلی به‌اضافهٔ صرف صیغه‌های مختلف فعل «بودن» در زمان ماضی ساده ساخته می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۳۵). ماضی بعید در عربی معیار یکی از این ساخت‌ها را دارد: ۱. کان (به‌مقتضای صیغه) + قَد + فعل ماضی: «کانَ قد ذهبَ»؛ ۲. فعل ماضی+ فاعل یا مفعول (معرفه) + (واو) حالیه + قَد+ فعل ماضی: «ذَهَبَ علیٌ و قَد نظَرَ إلَینا» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۰). اما در گویش عربی سراب، ماضی بعید از اضافه‌شدن kon به ماضی نقلی (مطابق همین گویش) ساخته می‌شود. یگانه‌شباهت این ساختار با ساخت ماضی بعید در عربی معیار در استفاده از «کانَ» است.

در گویش عربی سراب، «است» (< /est/) در ساخت ماضی بعید نیز به‌کار رفته است. در این ساختار /est/ به همان صورت ماضی نقلی (صرف صیغه‌های مختلف اسم مفعول: -m

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

est-i و جز آن) قابل مشاهده است. در جدول ۴ صیغه‌های مختلف ماضی بعید در ساختار مزبور نشان داده می‌شود:

**جدول ۴**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | من آدم شده بودم | ane ?ādem kon m-est-i |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | من آدم شده بودم | ane ?ādem kon m-est-eyye |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو آدم شده بودی | ente ?ādem kon m-est-i |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو آدم شده بودی | enti ?ādem kon m-est-eyye |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او آدم شده بود | ohu ?ādem kon m-est-i |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او آدم شده بود | ehi ?ādem kon m-est-eyye |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ما آدم شده بودیم | ehne ?ādem kon m-est-in |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما آدم شده بودید | entu ?ādem kon m-est-in |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما آدم شده بودید | entan ?ādem kon m-est-eiyyat |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آنها آدم شده بودند | ohom ?ādem kon m-est-in |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آنها آدم شده بودند | ehenne ?ādem kon m-est-eiyyat |

افزون‌بر توضیحاتی که قبلاً داده شد، روشن است که اغلب شناسه‌های ماضی نقلی و بعید میان دو یا چند فعل مشترک است. به‌عبارتی، شکل فعل به‌کاررفته برای اشخاص مختلف با یکدیگر یکسان است. برای تشخیص شخص این‌گونه افعال باید به‌دنبال ضمیر منفصلی که در جمله ذکر می‌شود یا قرینه‌ای در کلام باشیم.

**هـ. بحثی دربارهٔ شناسه‌های ماضی**

همان‌گونه‌که روشن است، شناسه‌های ماضی نقلی و بعید «است» (< /est/) با شناسه‌های بقیهٔ افعال (ماضی ساده و استمراری) متفاوت است. به‌صورت کلی، می‌توان این تفاوت را در چهار بند خلاصه کرد: ۱. شناسهٔ مفرد مذکر (اول، دوم و سوم‌شخص) در این ساخت و ساخت ماضی استمراری /i/ است؛ ۲. شناسهٔ مفرد مؤنث (اول، دوم و سوم‌شخص) در این ساخت /eyye/ است؛ ۳. شناسهٔ جمع مذکر (اول، دوم و سوم‌شخص) و اول‌شخص جمع مؤنث در این ساخت /in/ است؛ ۴. شناسهٔ جمع مؤنث (دوم و سوم‌شخص) در این ساخت /eyyat/ است؛ بنابراین، می‌توان جدول مقایسه‌ای شناسه‌های ماضی نقلی و ماضی ساده در گویش عربی سراب را به این صورت نشان داد:

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

**جدول ۵**

| صیغه‌های صرفی | ماضی ساده | ماضی استمراری (شناسه‌های مضارع) | ماضی بعید و ماضی نقلی | عربی معیار |
|---|---|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | ēt | i | i | to |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | ēt | i | eye | to |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | ēt | i | i | ta |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | ēt i | in | eye | te |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | â | i | i | a |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | at | i | eye | at |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ēnē | i | in | nâ |
| دوم‌شخص جمع مذکر | ētu | un | in | tom |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | ētan | an | eyyat | tonna |
| سوم‌شخص جمع مذکر | aw | un | in | u |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | an | an | eyya | na |

همان‌گونه که در جدول ۵ می‌بینیم، شناسه‌های ماضی ساده و ماضی نقلی در گویش عربی سراب با یکدیگر متفاوت‌اند. شناسهٔ اول‌شخص ماضی ساده برای مؤنث و مذکر یکسان است، اما در ماضی نقلی شناسهٔ این دو متفاوت است. در ماضی ساده فقط شناسهٔ اول‌شخص مفرد و دوم‌شخص مفرد مذکر با یکدیگر یکسان است. اما همان‌طور که می‌بینیم، یکسانی برخی شناسه‌ها با یکدیگر در ماضی نقلی بیشتر است؛ بنابراین، می‌توان تعداد شناسه‌های ماضی نقلی و بعید را چهار شناسه دانست و تعداد شناسه‌های ماضی ساده را نُه شناسه و شناسه‌های ماضی استمراری را چهار شناسه برشمرد.

**و. مضارع ساده**

مضارع ساده در فارسی، فعلی است که بر وقوع یا عدم وقوع حالت یا رویدادی در زمان حال یا آینده دلالت کند و فاقد پیشوند «می» یا «ب» باشد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۶۱). «مضارع سادهٔ فارسی با مضارع عربی ـبه‌شرط خالی‌بودن از ناصب یا جازمـ مطابقت می‌کند. بدیهی است این نوع از مضارع مختص شعر و نثر کهن است و در نثر امروزی استعمال نمی‌شود: گویند= یقالُ» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۲). در گویش عربی سراب نیز برای ساخت فعل مضارع یکی از حروف مضارعه (أ، ت، ی، ن) در ابتدای فعل قرار می‌گیرد و ضمیر متصل فاعلی در برخی صیغه‌ها به انتهای فعل می‌پیوندد. اما از این جهت که گاهی فعل ماضی عیناً در ساخت مضارع استعمال نمی‌شود نمی‌توان گفت یکی از حروف مضارعه

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

به ابتدای فعل ماضی می‌پیوندد. برای مثال، این نکته را به‌وضوح در فعل /qedâ/ و مضارع آن /yâqâdi/ می‌توان دید.

در عربی سراب ساخت فعل مضارع ساده از «است» ویژگی‌های خاصی دارد. نخستین ویژگی این است که فقط در فعل مضارع ساده، فعل «است» به‌صورت «هست» /hast/ به‌کار می‌رود. دومین ویژگی این است که فعل/hast/ صرفاً در شش صیغه (دو صیغهٔ متکلم و چهار صیغهٔ مخاطب) به‌کار رفته است. صرف این شش صیغه در جدول ۶ آمده است:

**جدول ۶**

| صیغه‌های صرفی | فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | من پسر هستم | ane vold hast |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | من دختر هستم | ane bent hast-e |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو پسر هستی | ente vold hast |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو دختر هستی | enti bent hast-e |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ما پسر/ دختر هستیم | ehne volād/ benāt hast-in |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما پسر هستید | entu volād hast-in |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما دختر هستید | entan benāt hast-āt |

علاوه‌بر ویژگی‌های پیش‌گفته، در کاربرد فعل hast (مضارع ساده) نکته‌های ذیل درخور توجه است: ۱. این فعل فارسی بدون تحول آوایی در گویش عربی سراب به‌کار می‌رود. ۲. hast یگانه فعلی است که بدون افزودن حروف مضارعه به ابتدای آن در زمان مضارع به‌کار می‌رود (دراین‌باره ر.ک: ادامهٔ مقاله). این امر نشان می‌دهد که از دید کاربران مفهوم زمان مضارع به‌خودی‌خود در فعل hast وجود دارد. ۳. شناسه‌هایی که در این ساخت کاربرد دارد، در برخی صیغه‌ها با شناسه‌هایی که تاکنون در ساخت‌های ماضی ساده و استمراری دیدیم متفاوت است، اما با شناسه‌های ماضی نقلی و بعید کاملاً یکسان است. درواقع، شناسه‌های مضارع ساده /hast/ و ماضی نقلی و ماضی بعید یکی است.

**ز. مضارع اخباری**

در فارسی، مضارع اخباری دربردارندهٔ الگوی می+ بن مضارع+ شناسه است: می‌روم. در عربی معیار یکی از دو الگوی ذیل با مضارع اخباریِ فارسی برابری می‌کند: ۱. فعل مضارع بدون عامل نصب یا جزم: یتَسَرّبُ (نشت می‌کند) (حرف مضارعه+ بن فعل+ شناسه) ۲. اسم فاعل در جایگاه خبر جملهٔ اسمیه: مُتَسَرِّبٌ (نشت می‌کند) (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

در گویش عربی سراب، فعل «است» در قالب فعل مضارع اخباری نیز کاربرد دارد، اما نه در معنای فارسی آن، بلکه در معنای «شدن» استعمال می‌شود. در جدول ۷، صیغه‌های فعل پیش‌گفته به‌همراه صرف صیغه‌های مضارع فعل «ذَهَبَ» در عربی فصیح ذکر شده است:

**جدول ۷**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب | صیغه‌های مضارع «ذَهَبَ» در عربی معیار |
|---|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد (مذکر و مؤنث) | من دکتر می‌شوم | ane doktor a-st-i | أذهَبُ |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو دکتر می‌شوی | ente doktor t-est-i | تَذهَبُ |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو دکتر می‌شوی | enti doktor t-est-in | تَذهبینَ |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او دکتر می‌شود | ohu doktor y-est-i | یذهَبُ |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او دکتر می‌شود | ehi doktor t-est-i | تَذهَبُ |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | ما دکتر می‌شویم | ehne doktor n-est-i | نَذهَبُ |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما دکتر می‌شوید | entu doktor t-est-un | تَذهَبونَ |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما دکتر می‌شوید | entan doktor t-est-an | تَذهَبنَ |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آنها دکتر می‌شوند | ohom doktor y-est-un | یذهَبُونَ |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آنها دکتر می‌شوند | ehenne doktor y-est-an | یذهَبنَ |

ترکیب فعل اسنادی فارسی و ساخت فعل عربی در صیغه‌های مضارع فعل اسنادی گویش عربی سراب نیز مانند صیغه‌های ماضی کاملاً مشهود است. در صیغه‌های مضارع اخباری فعل /est/ ریشه فرض می‌شود و دو تکواژ فعل مضارع عربی معیار به آن افزوده می‌شود: ۱. حروف مضارعه: این حروف متناسب با هر صیغه پیش از ریشهٔ /est/ قرار می‌گیرند. ۲. شناسه‌های تحول‌یافتهٔ فعل مضارع عربی معیار که پس از فعل /est/ قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، شناسه در اول‌شخص جمع و تمام صیغه‌های مفرد به‌جز دوم‌شخص مفرد مؤنث «i» است. این i به‌احتمال قریب‌به‌یقین محصول تحول آوایی شناسهٔ ـُ /o/u/ عربی معیار است. کاربرد این شناسه در ساخت مضارع به فعل /est/ منحصر است. در دیگر افعال ساخت مضارع، شناسهٔ صیغه‌ها مانند عربی معیار است.

**ح. مستقبل**

فعل مستقبل فعلی است که بر انجام کاری در زمان آینده دلالت داشته باشد و از بن «خواه» + شناسهٔ فعل + ماضی مطلق فعل اصلی تشکیل شود (مشکور، ۱۳۵۸: ۵۴). فعل مستقبل در عربی معیار به یکی از این شیوه‌ها ساخته می‌شود: ۱. (سین/ سوفَ)+ فعل مضارع: سیقولُ= خواهد گفت. ۲. إن/ إذا+ فعل شرط و جواب شرط.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

برخلاف زبان فارسی که در ساخت فعل اسنادی مستقبل آن از مادهٔ «بود» (خواهم بود، خواهد بود،...) استفاده می‌شود، در فعل مستقبل گویش عربی سراب همچنان از فعل «است» استفاده می‌شود. در این گویش، پایهٔ فعل مستقبل یا بخش اصلی فعل، همان فعل مضارع است، به‌اضافهٔ لفظ «خواهد = عُد/ɔod» که پیش از فعل مضارع قرار می‌گیرد. البته، برخی لفظ /yoɔod/ را که مضارع /ɔod/ است به‌جای آن به‌کار می‌برند. «است» در این زمان نیز همچنان معنای «شدن» را حفظ می‌کند. در جدول ۸ این کاربرد نشان داده می‌شود.

**جدول ۸**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد | من دکتر خواهم شد | ane doktor ɔod a-st-i |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو دکتر خواهی شد | ent doktor ɔod t-est-i |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | نو دکتر خواهی شد | enti doktor ɔod t-est-in |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | او دکتر خواهد شد | ohu doktor ɔod y-est-i |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | او دکتر خواهد شد | ehi doktor ɔod t-est-i |
| اول‌شخص جمع | ما دکتر خواهیم شد | ehne doktor ɔod n-est-i |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما دکتر خواهید شد | entu doktor ɔod t-est-un |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما دکتر خواهید شد | entan doktor ɔod t-est-an |
| سوم‌شخص جمع مذکر | آنها دکتر خواهند شد | ohom doktor ɔod y-est-un |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | آنها دکتر خواهند شد | ehenne doktor ɔod y-est-an |

در این ساخت چند نکته درخور توجه است: ۱. شناسهٔ برخی از صیغه‌ها در عربی معیار و گویش عربی سراب یکسان است؛ ازجمله دوم و سوم‌شخص جمع مذکر. ۲. شناسهٔ برخی صیغه‌ها با یکدیگر یکسان است؛ ازجمله سوم‌شخص مفرد مذکر و مؤنث، دوم‌شخص مفرد مذکر و سوم‌شخص مفرد و جمع. ۳. حروف مضارعهٔ «أ، ت، ی، ن» کاملاً مانند عربی معیار متناسب با هر صیغه در ابتدا قرار گرفته‌اند. ۴. در فارسی شناسه به فعل کمکی (خواستن) افزوده می‌شود و فعل اصلی در تمام صیغه‌ها به‌صورت سوم‌شخص مفرد (شد) به‌کار می‌رود، اما همان‌گونه که در جدول ۸ می‌بینیم، در گویش عربی سراب شناسه‌ها به فعل اصلی افزوده می‌شوند و فعل کمکی /ɔod/ در تمام صیغه‌ها یکسان به‌کار می‌رود. این نکته می‌تواند مانند کان و... برگرفته و متأثر از گویش فارسی این منطقه باشد: بخوا رفتُم، بخوا رفتی، بخوا رفت، بخوا رفتیم، ... .

**ط. بحثی دربارهٔ شناسه‌های مضارع و مستقبل (وجه اخباری)**

با توجه به جدول ۹ می‌توان شناسه‌های مضارع (ساده و اخباری) و مستقبل را در دو گروه دسته‌بندی کرد: ۱. شناسه‌های مضارع ساده؛ ۲. شناسه‌های مضارع اخباری و مستقبل. تفاوت

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

شناسه‌های مضارع ساده با مضارع اخباری در اینجا درخور تأمل است. دوم اینکه شناسه‌های مضارع ساده با تمام شناسه‌های فعل اسنادی در گویش مزبور متفاوت است، و سوم شناسهٔ صیغه‌های جمع و دوم‌شخص مفرد مؤنث گویش عربی سراب با عربی معیار یکسان است.

**جدول ۹**

| صیغه‌های صرفی | مضارع ساده /hast/ | مضارع اخباری | مستقبل | عربی معیار |
|---|---|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | Ø | i | i | o |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | e | i | i | o |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | Ø | i | i | o |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | e | in | in | in |
| سوم‌شخص مفرد مذکر | -ْ | i | i | o |
| سوم‌شخص مفرد مؤنث | - | i | i | o |
| اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث) | in | i | i | o |
| دوم‌شخص جمع مذکر | in | un | un | un |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | āt | an | an | an |
| سوم‌شخص جمع مذکر | - | un | un | un |
| سوم‌شخص جمع مؤنث | - | an | an | an |

## وجه التزامی

وجه التزامی آن است که کار را با شک و دودلی مانند آرزو و خواهش و امثال اینها بیان کند و چون پیرو جملهٔ دیگر است، آن را وجه «مطبعی» نیز گویند: می‌خواهم بروم، شاید بیایم... (قریب، ۱۳۳۴: ۱۴۰). امروزه، وجه التزامی در زبان فارسی در دو زمان ماضی و مضارع به‌کار می‌رود. مضارع التزامی در زبان فارسی تابع این الگو است: «ب+ بن مضارع+ شناسه»: بیایم، بخورم (انوری،۱۳۹۰: ۲۴). معادل معنایی مضارع التزامی را می‌توان در عربی معیار چنین دانست: ۱. ربّما+ فعل مضارع: ربّما یکتبُ. ۲. أن+ فعل مضارع: أن یکتُبَ. ۳. لَیتَ+ اسم ظاهر یا ضمیر+ فعل مضارع: لیتَ المعلّم یکتُبُ. ۴. عَلَی+ اسم ظاهر یا ضمیر متصل+ أن+ فعل مضارع: علی المعلّمِ أن یکتُبَ. ۵. مِنَ الواجِبِ أن+ فعل مضارع: مِنَ الواجبِ أن تکتُبَ. ۶. لابُدَّ+ أن+ فعل مضارع: لابدَّ أن تکتُبَ. ۷. لام امر+ مضارع: لِیکتُبَ (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۶). وجه التزامی در گویش عربی سراب در زمان مضارع نیز کاربرد دارد. اما فعل «است» در وجه التزامی در گویش مزبور ساخت خاصی ندارد، بلکه همان فعل‌های ماضی و مضارع است که قیدهای agar و yerad/šâyad به آن اضافه شده است؛ برای مثال:

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

| فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|
| اگر من دکتر می‌شدم | (agar)ane doktor est-ēt |
| من (باید/ شاید) دکتر بشوم | ane (yerad/šâyad) doktor a-st-i |

**وجه امری**

«در بعضی صیغه‌های فعل فرمانی می‌دهیم؛ یعنی به کسی می‌گوییم که کاری را انجام بدهد یا حالتی را بپذیرد: به اتاق برو و کتاب مرا بیاور... . این‌گونه فعل‌ها از وجه امری است» (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۳۱) و فقط در دو شخص، دوم‌شخص مفرد و دوم‌شخص جمع، کاربرد دارد (انوری، ۱۳۹۰: ۲۵). فعل امر در عربی معیار بر دو قسم امر بالصیغه و امر باللام است. امر بالصیغه مخصوص فعل مخاطب است و فقط از فعل معلوم ساخته می‌شود، اما امر باللام امری است که برای صیغه‌های غایب (از فعل معلوم و فعل مجهول) و مخاطب و متکلم (از فعل مجهول) کاربرد دارد.

فعل امر در گویش عربی سراب مانند فارسی فقط چهار صیغه دارد؛ به‌عبارتی، در همان دو شخص وجه امری فارسی (دوم‌شخص مفرد و جمع)، اما با تفکیک جنسیت. از ساخت‌های فعل امر عربی، فقط امر بالصیغه در گویش عربی سراب رایج است. در این ساخت، حرف مضارعه از مضارع معلوم حذف می‌شود و اگر فاءالفعل ساکن باشد، یک همزه به ابتدای آن افزوده می‌شود (شرتونی، ۴/۱۳۸۶: ۱۲). در گویش عربی سراب نیز در ساخت فعل امر مانند عربی معیار عمل می‌شود.

وجه امری مصدر «استیدن» در فارسی از مادهٔ «باشیدن» ساخته می‌شود، اما در گویش عربی سراب همان فعل est، به‌مثابهٔ ریشهٔ فعل مضارع، با ساختاری که پیش از این گفتیم در وجه امری نیز به‌کار می‌رود:

**جدول ۱۰**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب |
|---|---|---|
| دوم‌شخص مفرد مذکر | پسر خوبی شو | Volden zenen est |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | دختر خوبی شو | Benten zene est-i |
| دوم‌شخص جمع مذکر | پسران خوبی شوید | Voladen ziyyēn est-u |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | دختران خوبی شوید | Benaten ziyyēn est-an |

روشن است که فعل امر از «استیدن» فارسی در معنای «شدن» طبق ساخت فعل امری عربی ساخته شده است؛ یعنی طبق ساختار امر در عربی معیار مجزوم می‌شود، بدین‌ترتیب

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

که در دو صیغهٔ دوم‌شخص مفرد مؤنث و دوم‌شخص جمع مذکر «نون» اعراب حذف می‌شود. صیغهٔ دوم‌شخص جمع مؤنث نیز مانند عربی معیار مجزوم نمی‌شود.

**منفی**

توضیحات و ساخت‌هایی که تاکنون بررسی شد شکل مثبت افعال بود. برای منفی‌کردن آنها یکی از سه شیوهٔ ذیل استفاده می‌شود:

**الف. پیشوند منفی‌ساز (mā)+ فعل**

برای منفی‌کردن تمامی ساخت‌های پیش‌گفته در این مقاله، به‌جز دو ساخت، از این شیوه استفاده می‌کنیم. پیشوند منفی‌ساز /mā/ همان «ما»ی نفی است که در عربی معیار برای نفی دو زمان ماضی و حال کاربرد دارد (شرتونی، ۴/۱۳۸۶: ۳۷۰). درباب افعال یک‌جزئی فقط پیشوند /mā / را بر فعل می‌افزاییم:

**جدول ۱۱**

| نوع فعل | ترجمه | منفی | مثبت |
|---|---|---|---|
| ماضی ساده | شدم | masti | est-ēt |
| ماضی نقلی | شده‌ام | māmesti | m-sti |
| مضارع ساده | هستم | mā-n-i | hast |
| مضارع اخباری | می‌شوم | mā-sti | asti |
| امر | شو | lā-test-i | est |

البته، ذکر این نکته در اینجا ضروری است که وقتی فعل ماضی ساده منفی می‌شود، مصوت /e/ حذف می‌شود و فعل به این صورت تلفظ می‌شود: /māstâ/.

اگر فعل دوجزئی (فعل کمکی+ فعل اصلی) باشد، پیشوند ذکرشده پیش از فعل کمکی قرار می‌گیرد:

**جدول ۱۲**

| نوع فعل | ترجمه | منفی | مثبت |
|---|---|---|---|
| ماضی استمراری | می‌شدم | mā kon ast-i | kon ast-i |
| ماضی بعید | شده بودم | mā kon m-est-i | kon m-est-i |
| مستقبل | خواهم شد | mā ɔod ast-i | ɔod ast-i |

**ب. پیشوند منفی‌ساز (mā)+ صامت (n)+ ضمیر متصل مفعولی**

این الگو در نفی فعل مضارع سادهٔ /hast/ کاربرد دارد. به‌بیانی دیگر، برای منفی‌کردن /hast/ از خود فعل /hast/ به‌منزلهٔ ریشه استفاده نمی‌شود، بلکه برای نفی آن، الگوی دیگری

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

(پیشوند منفی‌ساز (mā)+ صامت (n)+ ضمیر متصل مفعولی) را به‌کار می‌گیریم. شکل منفی این افعال در جدول ۱۳ ذکر شده است:

**جدول ۱۳**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | گویش عربی سراب (مثبت) | گویش عربی سراب (منفی) |
|---|---|---|---|
| اول‌شخص مفرد مذکر | من پسر هستم | ane vold hast | ane vold mā-n-i |
| اول‌شخص مفرد مؤنث | من دختر هستم | ane bent hast-e | ane bent mā-n-i |
| دوم‌شخص مفرد مذکر | تو پسر هستی | ent vold hast | ent vold mā-n-āk |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | تو دختر هستی | enti bent hast-e | enti bent mā-n-eĉ |
| اول‌شخص جمع (مذکر/ مؤنث) | ما پسر/ دختر هستیم | ehne volād/ benāt hast-in | ehne volād/ benāt mā-n-ne |
| دوم‌شخص جمع مذکر | شما پسر هستید | entu volād hast-in | entu volād mā-n-kom |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | شما دختر هستید | entan benāt hast-āt | entan benāt mā-n-ĉen |

همان‌گونه که در جدول ۱۳ می‌بینیم و پیشتر دیدیم، فعل /hast/ در صیغه‌های مخاطب و متکلم کاربرد دارد. الگوی منفی‌ساز پیش‌گفته نیز چون فعل مثبت برای همین صیغه‌ها کاربرد دارد.

**ج. پیشوند منفی‌ساز (lā)+ فعل امری**

یگانه‌کاربردی که پیشوند منفی‌ساز /lā/ در گویش عربی سراب دارد نفی فعل امری است. این پیشوند به ابتدای فعل امر افزوده می‌شود و شناسه‌ای که از انتهای فعل امر (مجزوم) حذف شده است در این هنگام به فعل برمی‌گردد. به‌عبارتی، /lā/ فعل را مجزوم نمی‌کند و شناسه‌ای که از فعل حذف شده است به انتهای آن برمی‌گردد:

**جدول ۱۴**

| صیغه‌های صرفی | معادل فارسی | فعل امری منفی |
|---|---|---|
| دوم‌شخص مفرد مذکر | پسر بدی نشو | volden xāyes lā-t-est-i |
| دوم‌شخص مفرد مؤنث | دختر بدی نشو | benten xayse lā-t-est-in |
| دوم‌شخص جمع مذکر | پسران بدی نشوید | volāden xiyyes lā-t-est-un |
| دوم‌شخص جمع مؤنث | دختران بدی نشوید | bēnāten xiyyes lā-t-est-an |

در جدول ۱۴ دیدیم که حرف نفی «لا» با تلفظ /lā/ برای نفی فعل امر به‌کار می‌رود. این حرف در عربی معیار برای نفی ماضی و مستقبل کاربرد دارد (شرتونی، ۱۳۸۶/ ۴: ۳۷۰).

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی کاررفت‌های فعل اسنادی فارسی در گویش عربی سراب به این نتایج دست یافتیم:

۱. فعل اسنادی فارسی به سه صورت کاربرد دارد: ۱) /est؛ که دچار تغییرات آوایی، صرفی و معنایی شده است. ۲) /hast؛ که بدون هیچ تغییری در اصل فعل و با شناسه‌های

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

(e, in, āt) به‌کار می‌رود. این شناسه‌ها همان علایمی است که در صرف اسم در عربی معیار به آن می‌پیوندد. به‌عبارتی، in و āt همان «ین» و «ات» است که در جمع مذکر و مؤنث بـه فعل می‌پیوندد. در شناسهٔ «e» فرآیند اماله به کسره صـورت گرفتـه اسـت. درواقـع، فتحـهٔ پیش از «ـهٔ» تأنیث به کسره متمایل شده است. ۳) /mest (اسم فاعل).

۲. در گویش عربی سراب فعل اسنادی در سه وجه اخباری، التزامی و امری کاربرد دارد. بیشترین کاربرد این فعل را می‌توان در وجه اخباری و در زمان ماضی دید.

۳. همان‌گونه‌که در تمام جدول‌ها دیدیم، تقلید گویش عربی سـراب از زبـان فارسـی در دو جنبه کاملاً مشهود است: ۱. آرایش واژگانی جملات (مسندالیه+ مسند+ فعـل اسـنادی)؛ ۲. وجود فعل اسنادی فارسی به‌مثابهٔ رابط اجزای جمله. اما، باوجود این‌قرض‌گیری، تفـاوتی در ساخت فعـل اسـنادی در ایـن گـویش بـا سـاخت فارسـی آن وجـود دارد و آن کـاربرد شناسه‌های عربی در ساختار فعل است.

۴. در گویش عربی سراب، شناسه‌های فعل به‌تناسب زمان متفاوت است. این شناسه‌هـا را می‌توان در پنج دسته جای داد: الف) ماضی ساده (اخبـاری و التزامـی): ēt، ēti، at، â و...؛ ب) ماضی استمراری، مضارع اخباری، مضارع التزامی و مستقبل: i، in،un، an و...؛ ج) ماضی نقلی و بعید: i، eyye، in، eyyat و...؛ د) مضارع ساده /hast/: Ø،e،in،āt؛ هـ ( Ø، i، u، an. ۵. عدم کاربرد گونهٔ فارسی منفی فعل /est/ در گویش عربی سراب و منفی‌کردن آن با پیشوند منفی‌ساز عربی. افزون‌براین، شیوهٔ منفـی‌کـردن فعـل /est/ بـا فعـل /hast/ در ایـن گـویش متفاوت است. انواع کاررفت‌های فعـل /est/ بـا پیـشوند منفـی‌سـاز /mā/ و /lā/ بـدون هـیچ تغییری در اصل فعل منفی می‌شود، اما در منفی‌کـردن فعـل /hast/ الگـوی ضـمیر متـصل مفعولی+صامت mā+n را به‌کار می‌گیریم. همان‌گونه که در این الگو می‌بینیم، هیچ نشانی از /hast/ در شکل منفی آن نیست.

**پی‌نوشت**

۱. خط تیره در این جدول به‌معنی کاربردنداشتن فعل مورد نظر در این صیغه است.

**منابع**

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۰) *آموزش زبان عربی*. جلد۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

آموزگار، یوسف (۱۳۸۰) بررسی گویش عربی منطقهٔ عربخانه و مقایسهٔ آن با عربی کلاسیک. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی.

ـــــــــ (۱۳۸۷) «تاریخچهٔ مختصر اعراب جنوب خراسان (منطقهٔ عرب خانه)». *پژوهش‌نامهٔ فرهنگ و ادب*. سال چهارم. شمارهٔ ۶: ۱۷- ۴۹.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳) *ماده‌های فعل‌های فارسی دری*. تهران: ققنوس.

انوری، حسن (۱۳۹۰) *دستور زبان فارسی۲*. ویرایش سوم. تهران: فاطمی.

ـــــــــ و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰) *دستور زبان فارسی ۲*. چاپ ششم. تهران: فاطمی.

انیس، ابراهیم (۱۹۵۲) *فی اللّهجات العربیة*. الطبعة الثانیة. لجنة البیان العربی: القاهرة.

جانی، اسماعیل (۱۳۸۷) بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد آموزش زبان و ادبیات عربی. دانشگاه فردوسی.

جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۴) «خراسان۴: زبان‌ها و گویش‌ها». *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد ۲۲. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

حلیمی، احمدکمال‌الدین (۱۹۹۳) *مقارنة بین النحو العربی و النحو الفارسی*. الکویت: الجامعة الکویت.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) دسترسی در: http://www.amar.org.ir.

سیدی، سیدحسین و اسماعیل جانی (۱۳۸۷) «بررسی گویش عربی جنوب خراسان». مجلهٔ *تخصصی زبان و ادبیات دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی* مشهد. شمارهٔ ۱۶۳: ۱۴۱-۱۵۴.

شرتونی، رشید (۱۳۸۶) *مبادئ العربیة*. جلد۴. قم: مؤسسهٔ انتشارات دارالعلم.

عباسی، حبیب‌الله (۱۳۷۷) «نگاهی به پیشینهٔ تاریخی اعراب جنوب خراسان». در *دیار آفتاب* (خراسان‌شناسی). به‌اهتمام محمد عزیزی. تهران: روزگار.

مشکور، محمدجواد (۱۳۵۸) *دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی*. تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی شرق.

معروف، یحیی (۱۳۸۶) فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی. تهران: سمت.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۲) *زبانشناسی و زبان فارسی*. تهران: توس.

نجفیان، آرزو (۱۳۹۳) «خراسان۳: زبان‌های رایج در خراسان». *دانشنامهٔ جهان اسلام*. جلد ۱۵.

نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲) *دستور کاربردی زبان فارسی*. تهران: راهنما.

Dahlgren, Sven-Olof (2005) "On the Arabic of Arabkhane in eastern Iran". in *Linguistic convergence and areal diffusion: case studies from Iranian, Semitic and Turkic*. ed. Eva Agnes Csato, Bo Isaksson and Carina Jahani. London: Routledge Curzon.

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]
[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]
[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]

Ivanov, V. (1920) "Further notes on gypsies in Persia". *J[R]ASB*. new series. vol.16, no.7.

_____ (1926) "Notes on the Ethnology of Khurasan", *The Geographical journal*, vol.67, no.2.

Jasanoff, Jay (2003) *Hittite and the Indo-European Verb*. Oxford: Oxford University Press.

Moro, A. (1997) *The Raising of Predicates*. Cambridge: Cambridge University Press.

Oberling, P. & B. Hourcade (1986) "ʿARAB iv. Arab tribes of Iran," *Encyclopaedia Iranica (EIr)*, Ehsan Yarshate: ed. New York: NY. Vol. II. pp. 215-220

Pustet, Regina (2005) *Copulas: Universals in the Categorization of the Lexicon*. Oxford studies in typology and linguistic theory. Oxford: Oxford University Press

Windfuhr, Gernot (2006) "Iran.VII: non-Iranian languages of Iran: Arabic", *Encyclopaedia Iranica (EIr)*, Ehsan Yarshate: ed. New York: NY. Vol. XIII, pp. 401-404

[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29 ]

[ DOR: 20.1001.1.24766925.1397.26.85.9.3 ]

[ DOI: 10.29252/jpll.26.85.231 ]